

زن در عصر مانی

شکستن جسم صورت می‌گیرد و این مهم، زمانی اتفاق می‌افتد که انسان دست از خوشی‌های کاذب دنیایی برداشته و اسباب رنج و زحمت را برای جسم خود فراهم سازد تا انفکاک روح از جسم سریع‌تر صورت گیرد.

جامعه‌ی مانوی از دو گروه عمده تشکیل شده بود: امت مانوی که پیروان عادی محسوب می‌شدند و چون در مرحله‌ی آموزش و شنیدن دستورات گروه دیگر بودند آن‌ها را نیوشاه می‌خواندند و پیروان اصلی که موظف به انجام دستورات سخت‌تری بودند و به آن‌ها مانویان واقعی یا گزیدگان می‌گفتند.

آدابی که گزیدگان موظف به رعایت آن بودند سخت‌تر از وظایف نیوشایان بود. گزیدگان مطلقاً گوشت نمی‌خوردند و نیوشایان می‌توانستند از گوشت حیوانی که خود آن را نکشته بودند استفاده کنند. زیرا آزدن حیوانات - به خصوص کشتن آن‌ها - و حتا شکستن و بریدن گیاه را موجب آزدن نور موجود در آن‌ها می‌دانستند.

به همین سبب برگزیدگان خود غذا تهیه نمی‌کردند و یک وعده غذایی گیاهی را که در طول روز می‌خوردند، نیوشایان برایشان تهیه می‌کردند. هنگام خوردن غذا برای نیوشایی که آن را حاضر کرده بود طلب بخشایش می‌کردند.

برگزیدگان حق ازدواج نداشتند، چرا که به اعتقاد آن‌ها ازدواج باعث تولید انسان‌های جدید و در نتیجه تقسیم نور موجود در جسم والدین در اجسام فرزندانشان می‌شود که جمع‌آوری نور و بازگشت آن به کشور روشنایی را مشکل‌تر می‌کند. اما نیوشایان مختار بودند یک همسر اختیار کنند.

زنان هم می‌توانستند وارد جرگه‌ی برگزیدگان شوند و چنان که گفته خواهد شد کار تبلیغ را به عهده می‌گرفتند. شعاری در آیین مانویت وجود داشت بدین مضمون: «از گوشت، شراب و زن بپرهیزید».

آنچه بهانه‌ی نگارش این دستور شد، این نکته است که آیا دین مانی هم، چون ادیان از قبیل میترائیسم، دینی مختص مردان بوده است؟

بدین منظور لازم است ابتدا از موقعیت زنان عصر مانی و زمینه‌هایی به وجود آورنده‌ی چنین موقعیتی مطلع شویم. سپس جایگاه زن در جامعه‌ی مانوی و اسطوره‌ی این دین را بشناسیم تا بتوانیم به نتیجه‌ی منطقی برسیم.

ریشه‌یابی جایگاه زنان در بین‌النهرین و ایران

● **گیرشمن می‌گوید: وجود بسیاری ربه‌النوع برهنه در امکنه‌ی ماقبل تاریخی ایران، به ما اجازه می‌دهد بگوییم سکنه‌ی نجد ایران معتقد بودند که حیات، آفریده‌ی یک ربه‌النوع است، این ربه‌النوع به احتمال بسیار همسری داشته که او نیز ربه‌النوع بوده است.**

● **انتخاب شاه توسط زنان یعنی همان کاهنه‌ی بزرگ که نماد زمینی الهه‌ی مادر محسوب می‌شد، صورت می‌گرفت و یکی از شرایطی که به شاه صلاحیت می‌بخشید انتساب وی به وسیله‌ی ملکه‌ی نخستین یعنی خواهر بنیانگذار سلسله بود.**

نیود. بدخواهی آن‌ها بی‌نتیجه نماند و کوشش‌های پیگیرشان سرانجام به شکست مانی و یارانش انجامید. مانی در اول فوریه‌ی ۲۷۷ م پس از ۲۶ روز تحمل شرایط سخت در زندان از دنیا رفت. پس از مرگ سر او را از تنش جدا کردند و از دروازه‌ی جندی‌شاپور آویختند. این دروازه تا دوره‌ی اسلامی به باب یا دروازه‌ی مانی مشهور بود.

اساس تفکر مانی بر دو نیروی تاریکی و روشنایی استوار است که آن را دوین می‌خوانند. مانی می‌گفت مدیر عالم دو مبدأ است که هر دو قدیم‌اند. یکی روشنایی و دیگری تاریکی و هر دو آفریدگار هستند، آفریننده‌ی نیکی و بدی. هر یک از این دو نیرو قلمروی دارند و یاورانی که در این قلمرو ساکنند.

طبق اسطوره‌ی مانوی، آریا فرمانروای سرزمین تاریکی برای مقابله با آفرینش الهی دست به خلقت انسان می‌زند. جسم وی را از ماده (= سرچشمه‌ی تولیدی‌ها و مظهر آن) می‌سازد و بخشی از نور را در کالبد انسان مستور می‌کند تا نتواند به سرچشمه‌ی روشنایی‌ها بپیوندد. از این‌رو روح انسان منشایی خدایی و کالبد وی منشایی اهریمنی دارد. مانی معتقد بود که رهایی روح تنها در صورت درهم

شاگردی فیض یافته‌ام که از سرزمین بابل پدید آمده‌ام، از سرزمین بابل پدید آمده‌ام و بر در راستی ایستاده‌ام. جوانی هشتم شاگرد که از سرزمین بابل فراز آمده‌ام. فراز آمده‌ام از زمین بابل که خروش افکنم در جهان^۱.

مانی متفکر و مبدع آیین مانوی در سال چهارم سلطنت اردوان اشکانی مصادف با ۱۴ آوریل ۲۱۶ م در بابل متولد شد.

پدرش یتیم یا بابک از اهالی همدان بود و به قول ابن‌ندیم از فسکانیان که بنا به نظر برخی دانشمندان همان اشکانیان هستند، و مادرش نیز از یکی از خانواده‌های بزرگ اشکانی بود.

از سده‌ی دوم میلادی یک نوع کیش ترسایی - عرفانی به سوریه، اردن و بین‌النهرین راه یافت که مسئله هم در زمره‌ی آن‌ها بود. مانی دوران کودکی و نوجوانی خود را در دشت میسان (= آزدگان امروزی) و در میان معتقدان به این مذهب گذراند.

بنا به گفته‌ی مانی، فرشته‌ای یک بار در دوازده سالگی بر وی ظاهر می‌شود و در ۲۴ سالگی رسالت را به وی ابلاغ می‌کند. مانی در آخرین سال سلطنت اردشیر بابکان به سغد و کوشان می‌رود. او در طول مسافرت دو ساله‌اش یا تعالیم بوداییان و هر چه پیش‌تر با آیین زردشتی و سایر اندیشه‌های پراکنده در ایران آن روز از جمله زروانیت و مهرپرستی آشنا می‌شود. وی پس از شنیدن خبر مرگ اردشیر و تاج‌گذاری شاهپور به تیسفون برمی‌گردد.

در روز تاج‌گذاری (دهم آوریل ۲۴۳ م) رسالت خود را به شاهپور ابلاغ می‌کند و به این ترتیب از مسالمت یک نیروی بزرگ سیاسی برای گسترش عقاید خود بهره می‌گیرد.

اردشیر برای مقابله با ادیان مختلف رایج در مملکت، دین زردشتی را به رسمیت درآورده بود. او که خود نیز از خانواده‌ی روحانی بود، رفاه این گروه را بیش از پیش در نظر داشت و روحانیان در این دوره با در دست داشتن قدرت مذهبی و سیاسی و در نهایت اقتصادی از موقعیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بودند.

ظلم و فشار موبدان مردم را به سوی اهیان دیگری که در آن‌ها از تبعیض طبقاتی و نژادی خبری نبود جلب می‌کرد. شاهپور که قدرت را رو به افزایش موبدان را خطری برای حکومت خود می‌دید از مانویت حمایت کرد. در مدت حکومت شاهپور مانی میلنان و هیات‌هایی به شرق و غرب فرستاد و تألیقاتی بر جای گذاشت.

اما قدرت‌گیری مانویان به سود روحانیان زردشتی

صادقی

پرستشگاه‌های اصلی یا محل اداره‌ی امور دیوانی و اداری شهر مخصوص این خدا و پرستشگاه‌های کوچک‌تر مخصوص خدایان مؤث و مذکر دیگر بود. ضمناً این معابد مراکز آموزشی نیز بودند و آموزش برای دختران و پسران آزاد بود، و مسئولیت تدریس نیز بر عهده‌ی روحانیان زن و مرد معابد بوده است.

گور دن چابلد می‌گوید: «در واقع معبد حکم خانهای بزرگ را داشت که کارهای آن دسته‌جمعی و به وسیله‌ی اعضای خانواده انجام می‌شد. بدون آن که سرپرست این خانه که البته زن بود و از احترام بسیار برخوردار بود، بر دیگران حکومت کند»^۸.

با توجه به این که شغل عمده‌ی مردم سومر کشاورزی بود، این امر تعجب‌آور نیست. چرا که اهمیت محصولات کشاورزی در رژیم غذایی مردم و تقدس زمین به عنوان تولیدکننده‌ی محصول، همچنین شباهت ساختار فیزیولوژی زنان و شکل تولد کودک با زمین و تولید محصول و ضمناً نقش زنان به عنوان اولین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی تقدس و احترامی خاص برای مادران در همه‌ی جوامع کشاورزی به همراه داشته است.

با تشکیل نیروی نظامی دائمی برای مقابله با تهاجم اقوام بیابانگرد و حفظ شهرها از آسیب و ویرانی کم‌کم راه برای حضور سیاسی مردان و ایفای نقش در اداره‌ی امور دولت - شهرها باز شد. اما ظاهراً در این دوران هنوز شرط اصلی برای انتخاب فرماندهی این گروه اعلام رضایت و موافقت کاهنه‌ی پرستشگاه بوده است.

از این پس در افسانه‌های سومری برای هر یک از شاهان که ضمناً در میان جنگ‌جویان، قهرمان محسوب می‌شدند، پدر یا مادری آسمانی فرض می‌شود و موجودیتی نیمه‌خدایی بدان‌ها می‌دهند. در اواسط هزاره‌ی سوم (ق.م) با استیلای اولین گروه سامیان مهاجر یعنی اکدی‌بان بر سرزمین سومر و ورود شاه - قهرمانان سامی تبار، نقش ایزدبانوان سومری دستخوش تحول شد.

سومریان که در آغاز زن ایزدی را به اسم نامو^۹ یا مادری که آسمان و زمین را زایید مادر همه‌ی خدایان می‌دانستند؛ از این پس ائیل^{۱۰} که در آغاز ایزدی درجه‌ی سوم و از فرزندان نامو محسوب می‌شد را به عنوان پدر - خدای زمین و آسمان برگزیدند.

ساموئل کرایمر در کتاب **الواح سومری** درباره‌ی مدارس شهر نیپور مربوط به دو هزار سال قبل از میلاد می‌گوید: «در هیچ‌یک از این اسناد نامی از زنان برده نشده و این خود نشانه‌ی آن است که زنان را به مدارس سومری راهی نبوده است»^{۱۱}.

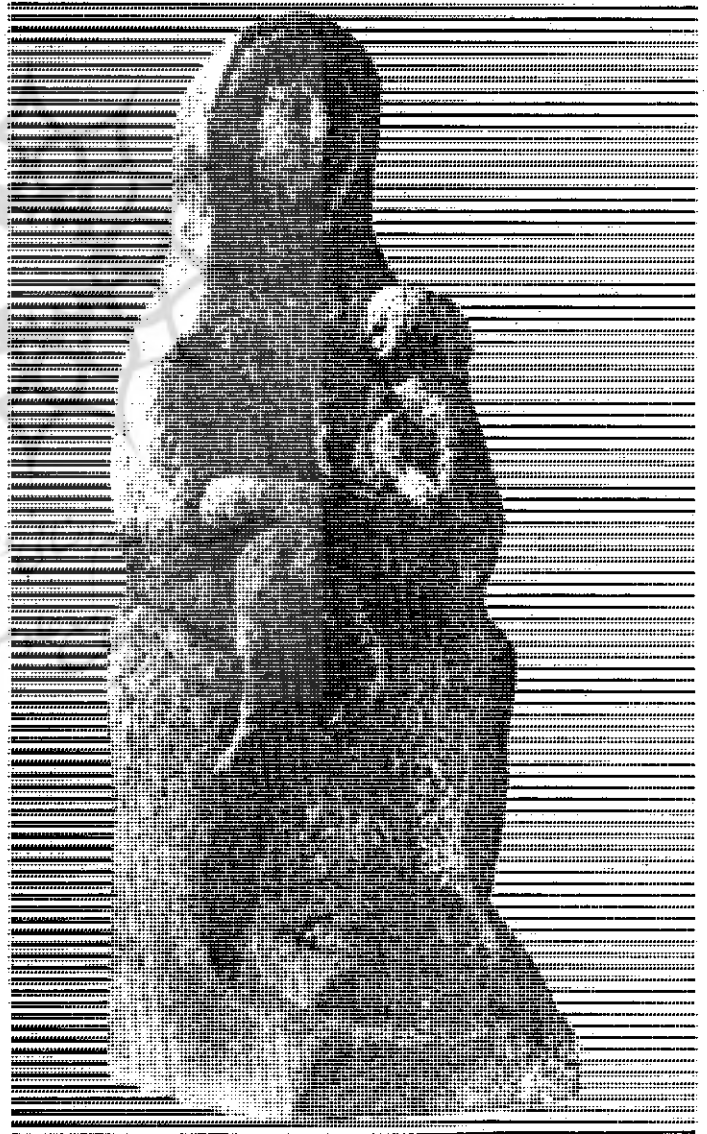
کشاورزی همراه با اشکال ابتدایی «دولت» و «حکومت» در آنجا پا گرفت، ناحیه‌ی بین‌النهرین است.

بین‌النهرین در جنوب عراق امروزی میان دو رود دجله و فرات در حد فاصل بغداد امروزی تا خلیج فارس قرار داشت. مردمی که نخستین بار در حدود چهار هزار سال پیش از میلاد^{۱۲} این نوع شهرنشینی را در آنجا پایه‌گذاری کردند، سومریان بودند.

کشفیات باستان‌شناسان در بین‌النهرین در اواخر قرن توزده و اوایل قرن بیستم از بسیاری خدایانوان سخن می‌گوید. در این زمان در بین‌النهرین هر دولت - شهر (شهرهای بزرگ و پررونق) در مالکیت و حمایت آسمانی خدایی قرار داشت که معمولاً مؤث بود.

از آنجا که مانی در بین‌النهرین متولد شد و با فرهنگ مردم آن سرزمین رشد کرد و آمیخته‌ای از این فرهنگ و تفکرهای مردم نجد ایران و یونان و هند دیدگاه وی را پی‌ریزی کرد، پس ابتدا باید از اندیشه‌های حاکم بر ایران و بین‌النهرین اطلاع حاصل کنیم. با توجه به این که نه آریاییان، ساکنان اصلی نجد ایران؛ و نه سامیان ساکنان اصلی بین‌النهرین بودند. برای شناخت اندیشه‌های حاکم بر این دو سرزمین بهتر است ابتدا از بررسی فرهنگ بومیان این مناطق آغاز کنیم.

بتابریافته‌های باستان‌شناسان قدیمی‌ترین ناحیه در خاورمیانه که تمدن اسکان یافته مبتنی بر اقتصاد



در ساختار و شکل ظاهری ظروف عصر کشاورزان نخستین، شخصیت محوری و کانونی زن که بازتابی از توانایی‌های بالفعل و بالقوه‌ی او در گردآوری، رویاندن، حفاظت و سیر کردن و زندگی بخشیدن است. نمایان می‌شود. این ظروف، نمایی از نماد طبیعت زنانه و موقعیت اجتماعی زنان است.

● پری در اصل یکی از زن ایزدان بوده که در زمان های کهن و پیش از زردشت ستایش می شده است ولی بعدها در اثر عوامل گوناگون، برداشت ذهنی پرستندگان آن دگرگون شده و به صورت موجودی زشت و اهریمنی درآمده است.



زندگی کشاورزی و تأثیر زن در هنر آن

این روال در دوره ی حکومت بابل و آشور نیز همچنان ادامه می یابد. از این پس آنچه تا آن روز به زنان تقدس و حرمت می بخشید تا پست ترین مراحل سوق داده شد. در افسانه ی فرود ایشتر^{۱۲} به جهان مردگان، تنها هنگامی که پاپ سوکال^{۱۳} مشاور خدایان برای دیگر ایزدان روشن می کند که غیبت ایشتر موجب توقف امیال عزیزی و مانع تولید مثل جانوران و انسان ها می شود، آن ها از نبود ایشتر اندوهگین می شوند. کاملاً مشهود است این افسانه در جامعه ای سروده شده که کاردانی و رهبری و توانمندی و سازندگی زنان به تدریج رنگ می یازد و زن اگرچه باز هم ممکن است در قدرت دیده شود، اما این سرآغازی است برای خاتمه نشینی وی و تبدیل شدن به ابزاری صرفاً برای ازدیاد نسل.

زن از دید سایر اقوام سامی

مانی تحت تأثیر فرقه های گنوسی، یهوه را به شدت رد می کرد و او را برخلاف خدای آیین مسیحیت که سرچشمه ی عطوفت و مهربانی بود؛ خدای منتقم و سختگیر می دانست و این ها صفاتی است که پادشاه روشنایی مانوی که متصف به همه ی نیکویی هاست دارا نیست.

موجی از عبرانیان در قرن سیزدهم پیش از میلاد به کنعان آمدند که مانند سایر گروه های این قوم دامدار بودند. خدای آن ها، یهوه، همچون خود آن ها کوچکده بود و به معبد خاصی تعلق نداشت.

آن ها به سرزمینی وارد شدند که اقتصاد آن عمدتاً بر کشاورزی متکی بود. در نتیجه از محیط خود تأثیر پذیرفتند. خانواده در میان یهودیان، تابع قواعد پدرسالاری بود (که البته این یکی از خصوصیات اقوام گله دار و کوچ نشین است). قدرت پدر در خانواده عملاً نامحدود بود و زمین تنها به او تعلق داشت و فرزندانش تا زمانی می توانستند زنده بمانند که به فرمان او گردن نهند و در واقع خود وی عنوان دولت و حکومت را داشت. اگر فقیر بود می توانست دختران خود را پیش از بلوغ به عنوان کنیز بفروشد.^{۱۴}

رنالت حضرت موسی (ع) به منظور پایان بخشیدن به این خودکامگی ها بود، چنان که یکی از فرامینی که به این نبی بزرگوار ابلاغ شد برابری میان پدر و مادر را

توصیه می کند.^{۱۵} اما اصرار یهودیان به پایبندی بر عقاید پیشین زمینه ساز ظهور عیسی مسیح (ع) شد. نقش حضرت مریم (س)، باکره ای که مولد وجود مقدس حضرت عیسا (ع) می شود، بی حکمت نیست. حضرت عیسا (ع) پدر جسمانی ندارد و از طریق تبار مادری اش به انسان ها مرتبط می شود. در دین مبین اسلام که یکی از پیام های آن برچیدن حصار از پیرامون «زن» است، هم یک سوره به این بانوی پاک و مطهر اختصاص دارد. اما جو حاکم بر بین النهرین چنان از اندیشه ی مرد-سالاری تأثیر پذیرفته بود که این تحول اساسی را نیز مخدوش کرد. به همین دلیل است که در تثلیث مسیحیان که خدا باز هم مذکر است و عنوان پدر^{۱۶} اخذ کرده است، جایی برای حضرت مریم (س) نمی یابیم.

سنت اگوستین^{۱۷} زن را چنین معرفی می کند: «حیوانی است سست، کینه روز و سرشار از بدی... او منشأ تمام جر و بحث ها، مباحثات و بی عدالتی هاست.»^{۱۸}

بدین ترتیب پیام مسیح (ع) نیز با وجود تمام رنج ها و مصائبی که از بی اطلاعی و ناآگاهی مردم متحمل شد، در جهل و خودبینی آنان تأثیری نداشت. قانون تلخ زنده به گور کردن دختران در عربستان از جمله پیامدهای جامعه ی مردسالار بود و ظهور پیامبر بزرگوار اسلام (ص)، تولد حضرت فاطمه (س)، باقی نماندن پسری از رسول خدا، ادامه ی نسل آن حضرت از طریق دختر گرامیشان و بالاخره نزول سوره ی مبارکه ی «کوثر» همه و همه در جهت ختم این رسم وحشیانه و سایر رسوم تعصب آمیز و جاهلی دیگر بود.

و اما باید دید فرقه های گنوسی و در رأس آن ها مفسله، مرقیون و باردیسان که نقش مؤثری در شکل گیری دیدگاه مانی داشتند به زن از چه زاویه ای می نگریستند.

گنوسی ها فرقه هایی ترسایی بودند که می خواستند اصول دین مسیحیت را با اصول فلسفی تطبیق دهند. فیلسوفانی همچون ارسطو معتقد بودند: «جنس نر، از هر نظر برتر است و ماده یک نر ناقص است و با وجود بی ارزش بودن این جنس، وجودش برای حفظ تمایز جنس ها لازم است.»^{۱۹}

از طرفی مقام و موقعیت حضرت مریم (س) در آیین مسیحیت درست نقطه ی مقابل چنین دیدگاه هایی بود. بنابراین پیروان آیین های گنوسی در توجیه نقش زن دچار تضاد و تناقض می شدند چنان که به طور مثال در مورد حوا، از یک سو وی را فریب دهنده ی آدم می شناسند و از سوی دیگر در ارزیابی دوباره ی داستان خلقت در انجیل به آن هستی مثبت می دهند.

زن در نجد ایران

نخستین ناحیه ی نجد ایران که وارد مرحله ی تاریخی شد، (در اواخر هزاره ی چهارم ق.م با اختراع خط تصویری) منطقه ی ایلام بود. این سرزمین شامل خوزستان، لرستان و کوه های بختیاری بود و البته در ایام اعتلای خود ممکن بود از شرق به اصفهان و از غرب به بابل هم برسد.

ایلامیان همانند سومریان در طبقه بندی نژاد آسیایی قرار داشتند و مانند ایشان زندگی مبتنی بر

● در دینی زردشتی نیز وجود امشاسپندان مؤنث و خدایان گوناگون و ایفای نقش‌های مهم آنان نشان دهنده تأثیر فرهنگ مادر - سالار بومیان این سرزمین و اهمیت زن از دیدگاه زردشت است.

اقتصاد کشاورزی داشتند و همچون سایر قبایل کشاورز، زندگی مادر - تباری و مذهب مادر - خدایی داشتند.

گیروشن می‌گوید: «سیاری از بیکرهای کوچک از ربه‌النوعی برهنه که در امکانی ماقبل تاریخی ایران پیدا شده است به ما اجازه می‌دهد که بگوییم سکنه‌ی نجد ایران معتقد بودند که حیات آفریده‌ی یک ربه‌النوع است، این ربه‌النوع احتمالاً همسری داشته که او نیز ربه‌النوع بوده، و در آن واحد هم شوهر و هم فرزند او محسوب می‌شده است.»^{۲۹}

در این دوران (حدود هزاره‌ی سوم ق.م) میان دو جنس تعادل وجود دارد؛ یعنی قدرت الهی و در پی آن نیروی سیاسی و اقتصادی که به تبع برتری مذهبی و تصدی امور معابد عاید زن بود، مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی مرد را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد.

انتخاب شاه توسط زنان یعنی همان کاهنه‌ی بزرگ که نماد زمینی الهی مادر محسوب می‌شد، صورت می‌گرفت و یکی از شرایطی که به شاه صلاحیت می‌بخشید انتساب وی به ملکه‌ی نخستین یعنی خواهر بنیانگذار سلسله بود. پس از درگذشت پادشاه معمولاً برادر او تاج و تخت را همراه با بیوه‌ی پادشاه که شاید خواهر هر دوی آن‌ها بود به ارث می‌برد. «ترتیب به ارث بردن تاج و تخت پادشاهی بر پایه‌ی مادر - تباری بود یعنی حق جلوس بر تخت شاهی از طریق نسب مادری قابل تعقیب بود.»^{۳۱}

با آغاز هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، اولین گروه‌های مهاجر هند و اروپایی وارد سرزمین ما شدند. این قبایل کوچ‌نشین در گروه‌هایی منظم تحت رهبری فرد یا گروهی خاص حرکت می‌کردند و از یک سری قواعد نظامی و پدر سالارانه پیروی می‌کردند.

از آن جا که آریاییان به چراگاه‌های مناسب و انبوه نیاز داشتند و ایلامیان و سایر قبایل غرب ایران هم برای مقابله با حملات پی در پی اقوام بین‌النهرین یا به سبب طمعی که خود به اراضی آن‌ها داشتند، نیازمند یک نیروی منسجم نظامی بودند. این نیاز متقابل و در پی آن اختلاط آریاییان و اقوام بومی، موجبات تبادل فرهنگی را فراهم کرد. به تدریج مرد خدایان آریایی وارد معتقدات ساکنان اولیه‌ی ایران شدند و ایزد بانوان نیز به آیین آریاییان راه یافتند. به طوری که آثار این تأثیر متقابل را در آیین زردشت هم می‌توان دید. به تدریج در نقوش و تصاویر ایلامی، تحولاتی

از جمله مردانه شدن سیمای زن - ایزدان و نزول منزلت آن‌ها مشاهده می‌شود.

در اواخر هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، پادشاهی ایلامی به نام شیلهاهه^{۲۲} خود را سوکل ماه، آرا و شاه خواند. لقب سوکل ماه به معنی پیک برکشیده به ارتباط پادشاه با ایزدان اشاره می‌کند و آرا به معنی پدر بی‌گمان به رابطه‌ی پادشاه با رعایایش اشاره دارد.^{۲۳} در این مورد، شاه نه تنها مقام الهی یافته و قدرت ماوراءالطبیعی نیز کسب کرده بلکه قدرت زمینی و سیاسی‌اش هم رو به تزاید است.

نکته‌ی مهم و با اهمیت در این جا، لقب پدر است که در آیین‌های مسیحیت و مانویت کاربرد چشمگیری پیدا می‌کند و نشان‌دهنده‌ی تأثیرات، آداب و رسوم آریایی و سامی است.

پس از شیلهاها، پسر او به حکومت می‌رسد و این امر نشان‌دهنده‌ی انتقال نسب از سوی پدر است که در ایلام تازگی دارد اما با وجود این، تا مدت‌ها هنوز کسانی که قدرت را به دست می‌گرفتند برای کسب اعتبار، خود را خواهرزاده‌ی شاهان بزرگ پیشین می‌خواندند. یعنی اگرچه جایگاه زنان ایلامی با ورود جامعه‌ی شبانی متحول شد اما تا پایان اعتلای ایلام هیچ‌گاه شاهد سقوط زن نبودیم. حتی در هنگام نفوذ فرهنگ مردسالاری سامی تأثیرات عمیق مادر - تباری به چشم می‌خورد.

به عکس در متون زردشتی و پیش‌زردشتی با چهره‌های تازه‌ی مواجه می‌شویم. یکی از این چهره‌ها آنساهیست. بانوی بساروری و حاصلخیزی که نشان‌دهنده‌ی تمایل به پرستش مادر - خدایان در فرهنگ بومی نجد ایران و بین‌النهرین است. آن‌ها تزییبات و از بدنی بسیار نیرومند برخوردار است. یعنی ساختار لازم برای زایش را داراست. کاملاً مشهود است که تلفیق فرهنگ بومی و آریایی به زنان موقعیتی برجسته‌تر از سابق عطا کرده لیکن این موقعیت همراه با خصوصیات و ویژگی‌های زنان در زندگی گله‌داری است.

در بند ۲۴ آیان یشت، آنگاه که فریدون می‌خواهد خواهران جمشید را از بند ضحاک که آن‌ها را به همسری خود درآورده نجات دهد این‌گونه از آن‌ها استمداد می‌کند:

«این کامیابی به من ده... که هر دو زنت را بریایم... که از برای توولد و تناسل دارای بهترین بدن می‌باشند. هر دو را که از برای «خانه‌داری» برآورده هستند.»^{۲۴}

در دین زردشتی هم وجود امشاسپندان مؤنث و خدای بانوان متعدد از جمله سپندارمذ و دننا و ایفای نقش‌های عمده از سوی آن‌ها و متصف بودن ایشان به صفات با اهمیت نشان‌دهنده‌ی تأثیر فرهنگ جامعه‌ی کشاورز و فرهنگ مادر - سالار بومیان این سرزمین و اهمیت زن از دیدگاه زردشت پاک نهاد یا تفهیم جایگاه واقعی این جنس است. اما به تدریج این پیام زردشت نیز دستخوش تعصبات و تفکرات قومی، اجتماعی و سیاسی شد.

ویل دورانت می‌گوید: «پس از داریوش، مقام زن خصوصاً در میان طبقه‌ی ثروتمندان تنزل پیدا کرد. زنان فقیر چون برای کار کردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند آزادی خود را حفظ کردند ولی در مورد زنان دیگر، گوشه‌نشینی زمان حیض که اجتناب‌ناپذیر بود، رفته‌رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی آنان را فراگرفت.»^{۲۵}

با وجود این در دوران سلسله‌های بعدی شاهد به قدرت رسیدن زنان در صحنه‌ی سیاست هستیم. «چنین تضادی به شکل دو بعد متضاد از شخصیت زن و موجودی دوقطبی به نام «پری» در ادبیات ما تا امروز هم به چشم می‌خورد. پری، موجودی سحرآمیز، زیبا و اغواگر است که با زیبایی و فریبندگی خاص خود مردان بسیاری را به دام عشق خود می‌افکند و دچار مصیبت و بلا می‌کند. ظاهراً پری در اصل یکی از زن - ایزدان بوده که در زمان‌های کهن و پیش از زردشت ستایش می‌شده ولی بعدها در اثر عوامل و انگیزه‌های گوناگون مانند دگرگونی‌های اجتماعی، دین‌آوری و نوکیشی‌ها و رواج ارزش‌های اخلاقی تازه، برداشت ذهنی پرستندگان آن دگرگون شده و به صورت موجودی زشت و اهریمنی درآمده است ولی خاطره‌ی دیرین این موجود به عنوان الهه‌ای که با کامکاری و باروری و زایش رابطه‌ی نزدیک داشت همچنان در ذهن جمعی ناخودآگاه مردمان باقی مانده و در ادب فارسی و فرهنگ عامیانه‌ی ایرانی منعکس شده است.»^{۲۶}

پانویس:

- 1- Boyce, 1947, P.162(CV 21)
- ۲- نفی زاده، ۱۳۳۵، ص ۵
- ۳- نفی زاده، ۱۳۳۵، ص ۱۴
- ۴- یعقوبی ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۹۵
- ۵- فارسی میانه: nilosa ayosa
- ۶- فارسی میانه: wizidagan
- ۷- هنری هوک - ص ۱۲
- ۸- جایلد ۱۳۶۹، ص ۸۷
- 9- Nammu
- 10- Entil
- ۱۱- کرایهر، ۱۳۴۰ - ص ۱۸
- ۱۲- ایستارهمان الهی ایناناست که در فرهنگ سامی نامو برخی خصوصیاتش متحول شده است.
- 13- Pupsukat
- ۱۴- راوندی، ۱۳۴۷، ص ۲۱۵، ۲۱۶
- ۱۵- کتاب مقدس، ص ۲۸۲، سفر تثنیه، باب پنجم
- ۱۶- نگاه کنید به مجله‌ی سخن، سال اول، ش ۲، ص ۲۳۹، ۲۳۸. مقاله‌ی دکتر محمد معین، خدا چه گونه پدر کردید.
- ۱۷- کشیش میخی، اواخر سده‌ی نهم میلادی.
- ۱۸- بدانتر ۱۳۷۷، ش ۴۴، ص ۲۸
- ۱۹- بدانتر ۱۳۷۷، ش ۴۴، ص ۲۸
- ۲۰- گبرشن ۱۳۷۰، ص ۳۰
- ۲۱- کامرون ۱۳۷۴، ص ۱۸ و ۱۹
- ۲۲- همان - ص ۵۵ و ۵۶
- ۲۳- پورداود ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۲۴۹
- ۲۴- دورانت، ۱۳۱۴، ج ۱، ص ۵۵. طبق احکام زردشتی زن در هنگام دشتان (= حیض) باید در بخشی از خانه یا خانه‌ی مجزایی به نام «دشتانستان» دور از دیگران بنشیند و اوستا بخواند تا ایزدان، دیو تولیدکننده‌ی دشتان را از وی دور کنند. تک: شایست نایست، فصل سوم.
- ۲۵- مزداپور ۱۳۷۱، ص ۲۹۱ (به نقل از دکتر سرکراتی)